

# **Formulation of the Arguments of Shiite Scholars on the Integrity of the Quran<sup>1</sup>**

**Seyyed Morteza Mirgheysari**<sup>\*</sup>

**Ali Allah-bedashti**<sup>\*\*</sup> **Emdad Turan**<sup>\*\*\*</sup>

(Received on: 2019-11-11; Accepted on: 2021-01-15)

## **Abstract**

This article, using the critical analytical method, deals with the issue of alteration of the Quran and the views of Shiite scholars on it. According to a number of opponents, the Shiites believe in the alteration of the Quran and therefore do not give full authority to this holy book. However, the works left by the majority of Shiite scholars on this subject show the falsity of this claim and possibly the dishonesty of those who made this slander. As will be explained in detail, Shiite scholars not only did not believe in distorting the Quran, but also mentioned four arguments (Quranic, narrative, historical and intellectual) in the absolute negation of distortion, which, given the development of the arguments implying the non-distortion of the Quran, indicate their constant sensitivity and concern for this issue. Thus, it can be proved that the Shiite reference to the narrations of the Imams (AS) does not mean weakening the status of the Quran, but according to the hadith of *Saghalayn* (two weighty things) and the interpretive nature of such narrations in relation to the word of God, their reference is itself a reason for the integrity of the Quran.

**Keywords:** Distortion of the Quran, Divine Traditions, Shia, Rule of Grace, Revelation.

---

1. This article is taken from: Seyyed Morteza Mirgheysari, "A Study and Critique of Ibn Taymiyyah's Thought on the Similarity of Shiites to Jews on the Issue of Imamate and Distortion of Revelation ", 2018, PhD Thesis, Supervisor: Ali Allah-bedashti, Faculty of Shiite Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran.

\* PhD Student in Shiite Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran (Corresponding Author), ortezamirqeisari@yahoo.com.

\*\* Full Professor, Department of Philosophy and Theology, University of Qom, Qom, Iran, a.allahbedashti@qom.ac.ir.

\*\*\* Assistant Professor, Department of Shiite Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran, turan@urd.ac.ir.

# پژوهش‌نامه امامیه

«مقاله پژوهشی»

سال هفتم، شماره چهاردهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، ص ۲۱۱-۲۲۸

## صورت‌بندی ادله عالمان شیعه بر تحریف‌نشدن قرآن<sup>۱</sup>

\* سید مرتضی میرقیصری

\*\*\* علی‌الله‌بداشتی \*\* امداد توران

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۲۶]

### چکیده

این نوشتار با روش تحلیلی انتقادی به مسئله تحریف قرآن و دیدگاه عالمان شیعه در باب آن پرداخته است. طبق ادعای شماری از مخالفان، شیعیان به تحریف قرآن باور دارند و از این رو برای این کتاب مقدس حجیت تام قائل نیستند. این در حالی است که آثار به‌جای‌مانده از قاطبه علمای شیعه در این بحث، صحیح‌نبودن این نسبت و احتمالاً بی‌صداقتی مفسرین در مطرح کردن این نسبت را نمایان می‌کند. چنانچه به تفصیل بیان خواهد شد، عالمان شیعه نه تنها به تحریف قرآن قائل نشده‌اند، بلکه ادله چهارگانه (قرآنی، روایی، تاریخی و عقلی) را در نفی مطلق تحریف ذکر کرده‌اند، که نگاه به سیر استدلال‌های دلالتگر تحریف‌نشدن قرآن، از حساسیت مداوم و اهتمام پیدارشان به این موضوع حکایت دارد. این چنین می‌توان ثابت کرد که رجوع شیعه به روایات ائمه (ع)، نه به معنای تضعیف منزلت قرآن، بلکه با توجه به حدیث ثقلین و صبغه تفسیری این روایات نسبت به کلام‌الله، خود دلیلی بر تحریف‌نشدن آن است.

**کلیدواژه‌ها:** تحریف قرآن، سنن الاهی، شیعه، قاعده لطف، وحی.

۱. برگرفته از: سید مرتضی میرقیصری، بررسی و نقد تفکر ابن تیمیه در تشابه شیعه به یهود در مسئله امامت و تحریف وحی، رساله دکتری، استاد راهنما: علی‌الله‌بداشتی، دانشکده شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران، ۱۳۹۷.  
\* دانشجوی دکتری شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (نویسنده مسئول)  
ortezamirqeisari@yahoo.com

\*\* استاد تمام گروه فلسفه و کلام، دانشگاه قم، قم، ایران A.allahbedashti@qom.ac.ir

\*\*\* استادیار گروه شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران turan@urd.ac.ir

## مقدمه

قرآن کریم به عنوان کتاب آسمانی مسلمانان، که الفاظش عیناً از جانب خدا صادر شده و با امانتداری فرشته وحی، بی‌کم و کاست به پیامبر گرامی اسلام ﷺ ابلاغ شده است، در طول تاریخ هم، به اراده حق از جعل و اختلاط مصون مانده و به این ترتیب معجزه‌ای دیگر در تاریخ بشر به ثبت رسیده است. این حکم، محل اتفاق مسلمانان بوده و در واقع اگر تعلیم نبوت را نیز در امتداد توحید و معاد از اصول اعتقادی انکارناپذیر مسلمانان بدانیم، قول به حقانیت قرآن و صیانت آن از تحریف به ضمیمه تعلیم نبوت در شمار اصول اعتقادی مشترک میان مسلمانان تلقی خواهد شد؛ اصولی که انکار یا اثباتش مرز تعیین قلمرو مسلمانی از کفر و شرک و ارتداد و ... است.

در تفصیل آموزه فوق، باید گفت چون پیامبر اکرم ﷺ شخصاً به کتابت قرآن کریم امر فرمود و چون به حسب فرهنگ رایج در میان اعراب، حفظ سخنان بلیغ و اشعار اصیل مسبوق به سابقه بود، حافظانی از میان مسلمانان به ثبت ذهنی قرآن کریم اهتمام ورزیدند و این چنین امر نبی به کتابت وحی با همت و تبعیت پیروانش به سرانجام رسید و کتاب آسمانی مسلمانان در اوراق تاریخ ضبط شد. هرچند دست سرنوشت، ایجاد مصحف را به عهد خلیفه سوم موکول کرد، اما سرانجام مطالبه نبی ﷺ محقق شد و آنچه اینک به عنوان قرآن کریم می‌شناسیم متنی مقدس، متواتر و قطعی‌الصدور است (خرمشاهی، ۱۳۷۷: ۱۶۳۰/۲-۱۶۳۱).

از طرف دیگر، به شهادت اوراق این مصحف شریف می‌توان مطمئن بود که قرآن مجید دارای آنچنان فصاحت و بلاغتی است که هیچ بشری نتوانسته و نمی‌تواند نظیرش را بیاورد. به همین علت با توجه به اینکه اعراب جاهلی در زمان نزول قرآن در ادب و شعر و فصاحت و بلاغت زبانزد بودند، وقتی در مقابل بلاغت و فصاحت قرآن قرار گرفتند، به معجزه‌بودنش و به ناتوانی خود در آوردن همانند آن اعتراف کردند. همچنان که تا عصر حاضر نیز ادیبان و فصیحان به عظمت این کتاب مقدس ادعان، و به ناتوانی در آوردن به مثل آن اقرار کرده‌اند.

در واکنش به این عظمت و نیز در امتداد قول به تحریف‌ناپذیری قرآن که نظری واضح و بلاشبیه است، تمایلی خفیف در پاره‌ای از مسلمانان صاحب‌قلم ایجاد شده است، که بر نهج آن کوشیده‌اند مخالفان خود را با حربه «اعتقاد به تحریف قرآن» منکوب کنند. در این میان، اندیشه شیعی به سبب محرومیت و مظلومیت تاریخی خود در میانه این آتش و انتقام‌قرار گرفته و نسبت ناروای «پدیرش تحریف قرآن» را متوجه خود دیده است. ظاهراً در میان اهل سنت اول کسی که اتهام تحریف قرآن را به شیعیان نسبت داده ابوعلی جبایی (متوفای ۲۳۵ ه.ق.) است. طبق نقل سید

بن طاووس، ابوعلی درباره ادعای تحریف قرآن و انتساب آن به عالمان امامیه چنین می‌گوید: «بلا و آفت رافضه (شیعیان) بر مسلمانان بزرگ‌تر از خطر زنادقه است. رافضه ادعا می‌کنند که در قرآن کاستی و نقصان و جابه‌جایی و تبدیل صورت گرفته است!» (ابن طاوس، ۱۳۶۹: ۱۴۴). ابن حزم اندلسی هم در شمار کسانی است که این تهمت ناروا، یعنی قول به تحریف قرآن، را به شیعیان وارد کرده است. او می‌گوید همه شیعیان قدیماً و جدیداً معتقدند قرآن دچار تحریف و دگرگونی شده و مطالبی به آن افزوده و پاره‌ای از آن کاسته شده و قسمت‌هایی از آن جابه‌جا شده و تغییر یافته است. به زعم او، در بین شیعیان فقط سید مرتضی و دو یار او ابوعلی طوسی و ابوالقاسم رازی تحریف قرآن را منکرند و حتی به روایت وی سید مرتضی معتقد است قائل به تحریف قرآن کافر است (ابن حزم ظاهری، بی‌تا: ۱۸۲/۴).

اما شخصی که بیش از همه در این معرکه ورود یافته و شیعه را محرف قرآن یا قائل به تحریف آن و در نتیجه هم‌سخن یهود در این قول باطل یافته، ابن تیمیه است. البته عبارت وی در کتاب منهاج السنة دوپهلوی است، آنچنان که می‌نویسد: «إِنَّ مُحَنِّثَهُمْ مَحْنَةُ الْيَهُودِ ... وَالْيَهُودُ حَرَفُوا التَّوْرَةَ، وَكَذَلِكَ الرَّافِضَةُ حَرَفُوا الْقُرْآنَ» (ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ۳۲/۱). در اینجا مشخص نیست منظور ابن تیمیه تحریف کلام وحی از سوی شیعه و یهود است، یا اعتقاد به وجود این تحریف و در نتیجه عاری شدن متن مقدس از حجیت مطلق! اما در هر حال، چه به تفسیر نخست از کلام ابن تیمیه، شیعه به زعم وی محرف باشد و چه به تفسیر دوم از این کلام قائل به تحریف، در اینکه ابن تیمیه میان شیعه و تحریف قرآن به نسبت هم‌روی قائل شده، تردیدی نیست.

در این مقاله می‌کوشیم مواضع عالمان شیعه را در مسئله تحریف قرآن نقل و صورت‌بندی کنیم. در این مسیر ابتدا دو واژه بنیادین تحقیق یعنی «تحریف قرآن» و «شیعه» را از حیث لغوی و اصطلاحی بررسی می‌کنیم و در ادامه ضمن نقل اقوال عالمان مشهور شیعی در موضوع تحریف قرآن، سیر استدلال‌هایشان را نقل، و در ملاحظه‌ای انتقادی بررسی خواهیم کرد. ذکر این نکته ضروری است که با توجه به کثرت تألیفات در موضوع تحریف قرآن، مقاله حاضر از دو حیث نسبت به سخن اسلاف خود نوآور است:

۱. صورت‌بندی ادله تحریف‌نشدن قرآن و اهتمام ویژه به ادله عقلی و اصطلاحاً برون‌دینی در تقریر ایده تحریف‌نشدن قرآن.
۲. توجه به خطای، احتمالاً سهوی، معدودی از عالمان شیعی در بحث تحریف و رفع آن به یاری قول متواتر نزد علمای امامیه.

## ۱. اصطلاح‌شناسی: «تحریف قرآن» و «شیعه»

الف. تحریف؛ این واژه که در اصل به معنای منحرف‌شدن از موضع اصلی و حقیقی است، از حیث اصطلاح و در مقام انتساب به قرآن معانی مختلفی دارد:

۱. نقل کلمه‌ای از معنای اصلی‌اش و انتقال آن در غیر معنای اصلی آن کلمه و در حقیقت تفسیر نادرست کلام؛ آیه «من الذین هادوا یحرفون الکلم عن مواضعه» (نساء: ۴۶) به این نوع تحریف اشاره دارد. اینجا اختلافی بین مسلمانان نیست که این نوع تحریف در قرآن واقع شده است، چراکه تفسیر نامعتبر که همان تفسیر به رأی و بر اساس هوای نفسانی و منفعت فردی (گروهی) است، از مشکلات رایج در تاریخ اندیشه اسلامی است.

۲. کم‌کردن حروف یا حرکات یا افزودن آنها با حفظ قرآن و توضیح‌نکردن آن، که تحریف به این معنا در قرآن واقع شده و تعدد قرائات (که از نوع اختلاف جزئی در الفاظ است) از این قبیل است. زیرا قرآن طبق یکی از قرائات نازل شده و مابقی قرائات جایزی است که با حفظ معنا به خوانش این متن بنا بر لهجه‌های مختلف عربی روی آورده‌اند.

۳. کم‌کردن یک کلمه یا دو کلمه یا افزودن به آن با حفظ خود قرآن، که تحریف به این معنا، احتمالاً در صدر اسلام اتفاق افتاده است. زیرا عثمان پس از تدوین مصحف جامع، دستور به جمع‌آوری بعضی قرآن‌ها و سوزاندن آنها داده، که این دلالت می‌کند بر اینکه آن قرآن‌ها غیر از قرآنی بود که جمع‌آوری کرده بود.

۴. تحریف به زیاده و نقیصه در آیه و سوره با حفظ اصل قرآن و توافق بر قرائت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، که تحریف به این معنا در قرآن اتفاق نیفتاده است. اما اینکه پیامبر اکرم به غیر از سوره توبه «بسم الله» را در ابتدای همه سوره‌ها قرائت کرده و اکنون بین مسلمانان اختلاف است که آیا «بسم الله» جزء هر سوره است یا خیر، این مسئله نمی‌تواند از مصادیق تحریف باشد، چراکه در اینجا موضوع اختلاف و میزان تأثیر آن در فهم قرآن مشخص است و تحریف، به معنای انحراف از موضع حقیقت، اتفاق نیفتاده است.

۵. تحریف به افزودن در قرآن (تحریف به زیاده)، به این معنا که بعضی از قرآنی که هم‌اکنون در دست ما مسلمانان است از قرآن نیست. تحریف به این معنا به اجماع مسلمانان باطل است و علم به بطلان این نوع تحریف ضروری است.

۶. تحریف به کم‌شدن، به این معنا که قرآنی که در دست ما است مشتمل بر جمیع قرآنی که از آسمان نازل شده، نیست. تحریف به این معنا محل اختلاف است؛ بعضی آن را نفی می‌کنند و

بعضی اثبات. آنچه بین مسلمانان معروف است واقع‌نشدن چنین تحریفی است. بنابراین، همانا قرآنی که در دست ما مسلمانان است، همان قرآن نازل در کلام وحی و وارد بر قلب پیامبر ﷺ است. به تفصیل خواهیم دید که بسیاری از بزرگان شیعه به این مطلب تصریح کرده‌اند، مانند ابن بابویه قمی (صدوق)، که تحریف‌نشدن قرآن را از معتقدات امامیه دانسته است، از جمله شیخ طوسی که در اول تفسیرش (التبیان) بیان کرده و از استادش سید مرتضی هم با همین نقل با استدلالی تمام نقل شده و نیز طبرسی در مقدمه تفسیرش، مجمع البیان، همین نظر را ذکر کرده و نیز کاشف‌الغطاء که این رأی را ابراز داشته و حتی ادعای اجماع بر تحریف‌نشدن کرده است (موسوی خویی، ۱۳۹۵: ۱۲۶/۱).

ب. شیعه؛ در لغت‌نامه‌های عربی کلمه «شیعه» به معنای پیروی و متابعت فرد یا افرادی از دیگری است. در واقع، «شیعه» گروهی هستند که بر چیزی اجتماع کنند.<sup>۱</sup> اصطلاحاً نیز «شیعه» به کسی گفته می‌شود که به جانشینی و امامت حضرت علی (علیه السلام) پس از رسول خدا ﷺ معتقد است، چراکه به دلیل افضلیت او بر صحابه دیگر و اعتقاد به نصب او از جانب خدا و ابلاغ آن از سوی رسول خدا ﷺ در محافل و مجالس مختلف، که مهم‌ترین آن واقعه غدیر خم است، فردی افضل از ایشان که ولایت و امامت او هم به نص کلام پیامبر مزین باشد، وجود ندارد. همچنین، شیعه معتقد است پس از حضرت علی (علیه السلام) یازده نفر از فرزندان او از نسل فاطمه زهرا (علیها السلام) یکی پس از دیگری امام است. استعمال واژه «شیعه» در معرفی پیروان حقیقی اسلام، تاریخ طولانی و کهنی دارد و از زمان پیامبر اکرم ﷺ این کلمه به کار گرفته می‌شد. آن حضرت هم گاه این کلمه را درباره پیروان علی (علیه السلام) به کار می‌برد و بر پیروان آن حضرت اطلاق می‌کرد.<sup>۲</sup>

با فهم دو اصطلاح «تحریف» و «شیعه»، باید دید که آیا ادعای ابن تیمیه و همفکرانش صحیح است؛ و طبق اسناد تاریخی موجود، شیعه قائل به تحریف قرآن شده یا در جهت این تحریف گام زده یا اینکه آثار علمی عالمان مذهب تشیع برعکس این ادعا گواه است؟

## ۲. دیدگاه عالمان شیعه در مسئله تحریف قرآن

صدوق (متوفای ۳۸۱ ه.ق.) می‌گوید: «اعتقاد ما این است که قرآنی را که خداوند بر پیامبر ﷺ نازل کرده، همانی است که اکنون در اختیار مردم قرار دارد. قرآن کریم بیش از آنچه موجود است، نیست و هر کسی افزون‌بودن آن را به ما نسبت دهد، دروغ‌گو است» (صدوق، بی‌تا: ۸۳). از شیخ مفید (متوفای ۴۱۳ ه.ق.) درباره تحریف قرآن پرسیدند: «چگونه گفته می‌شود در قرآن اضافه یا کمی

صورت نگرفته و قرآن تحریف نشده و همان کلام خدا است؛ در حالی که شما از ائمه (علیهم‌السلام) نقل می‌کنید که آنان به جای «کنتم خیر امة» خوانده‌اند: «کنتم خیر ائمة اخرجت للناس» و همچنین به جای «جعلناکم امة وسطا» خوانده‌اند: «جعلناکم ائمة وسطا» و نیز به جای «یسألونک عن الانفال» خوانده‌اند «یسألونک الانفال» و از این قبیل که خلاف قرآنی است که در دست همگان است؟». وی در پاسخ می‌گوید اخباری که از ائمه نقل شده، اخبار آحاد است و به صحتش نمی‌توان قطع و یقین پیدا کرد و به این علت ما، در اینها توقف می‌کنیم و به ما سفارش شده است که از قرآن موجود در میان مردم پیروی کنیم و از این سفارش عدول نمی‌کنیم. خود معصومان (علیهم‌السلام) فرمودند: «ما خالف الکتاب فاضربوه علی الجدار»، «هر روایتی که با قرآن مخالف بود آن را به دیوار بزنید» (یعنی عمل نکنید)؛ نیز در جای دیگر فرمودند: «هر روایتی که با قرآن و عقل مطابقت نداشت، علم آن را به ما واگذار کنید؛ البته کسی نمی‌تواند انکار کند که ممکن است، برخی آیات دو گونه قرائت شده باشد که یکی از آنها در قرآن و دیگری در روایت آمده باشد؛ همان طور که مخالفان ما می‌گویند نزول قرآن بر وجوه متعدد بوده است (مفید، ۱۴۱۳: ۱۴۱/۱). نیز شیخ مفید در رد تحریف آورده است که گروهی از امامیه می‌گویند هیچ کلمه و آیه و سوره‌ای از قرآن کریم حذف نشده، ولی مطالبی که در قرآن حضرت علی (علیه‌السلام) وجود داشته، و همگی مربوط به تفسیر معانی قرآن بوده و از کلام‌الله به شمار نمی‌رفته، حذف شده و این سخن در نزد من به حق نزدیک‌تر است تا سخن کسانی که ادعا می‌کنند، کلماتی از خود قرآن حذف شده است (همو، ۱۴۱۴: ۸۱).

همچنین، به روایت طبرسی، سید مرتضی (متوفای ۴۳۶ ه.ق.) می‌گوید:

یقین به صحت قرآن مانند یقین به وجود شهرها و حوادث بزرگ و کتاب‌های مشهور است. قرآن معجزه پیامبر اکرم (ص) و مأخذ علوم شرعی و احکام دینی است و تمام آن در زمان پیامبر (ص) حفظ می‌شد و گروهی از صحابه مانند عبدالله بن مسعود و ابی بن کعب و دیگران قرآن را چند بار برای پیامبر (ص) از ابتدا تا آخر خوانده‌اند. تمام اینها حکایت از آن دارد که قرآن در عصر رسول خدا (ص) گردآوری شده و کاستی و پراکندگی ندارد (طبرسی، بی‌تا: ۳۷۸/۱).

شیخ طوسی (متوفای ۴۶۰ ه.ق.) هم، مانند قریب به اتفاق علمای دیگر، به تحریف‌نشدن قرآن و وحی قائل است. در این زمینه می‌گوید:

سخن‌گفتن درباره زیادت و نقصان در قرآن شایسته نیست؛ زیرا در زیادشدن قرآن اجماع بر باطل بودن وارد داریم و ظاهر مذهب مسلمانان هم برخلاف تحریف قرآن است و این

تحریف‌نشدن نزد ما به درست‌بودن و صحیح‌بودن نزدیک‌تر است و سید مرتضی هم این قول را پذیرفته و تأیید کرده و از ظاهر روایات هم همین مطلب استفاده می‌شود؛ جز آنکه روایات متعددی از عامه نقل شده که در قرآن تحریف به نقیصه شده، یا آیه‌ای از جایی از قرآن نقل، و به جای دیگری انتقال پیدا کرده است؛ ولی این روایات از روایات واحد محسوب می‌شود و موجب علم و عمل به آن نمی‌شود و نیکو آن است که به این دسته از روایات اعتنا نشود و از مشغول‌شدن به آنها پرهیز شود (طوسی، ۱۴۰۹: ۳/۱).

طبرسی (متوفای ۵۴۸ ه.ق.) در رد تحریف می‌گوید:

چون اهتمام مسلمانان به حفظ و حراست قرآن بوده ... و علمای اسلام در حفظ قرآن به حد اعلا کوشیده‌اند، به حدی که اگر در اعراب قرائت حروف و آیاتش اندک اختلافی رخ می‌داد، کاملاً به اختلاف‌ها آشنایی داشتند و با این شدت و اهتمام در حفظ قرآن چگونه ممکن است به قرآن چیزی اضافه یا از آن چیزی کاسته شود؟ علم به تفصیل و جزئیات قرآن همانند علم به همه قرآن است. این مانند کتاب‌های سیبویه و مزنی است که مؤلفانش معلوم‌اند. کسانی که به ادبیات عرب مسلط‌اند، کاملاً به جوانب این دو کتاب آگاه‌اند، به طوری که اگر کسی یک باب در علم نحو به آن بیفزاید، اهل فن متوجه می‌شوند و تشخیص می‌دهند که این باب جزء کتاب نیست؛ بنابراین، وقتی کتاب‌هایی مثل کتاب سیبویه و مزنی چنین اهمیتی داشته باشند، قرآن کریم که به مراتب مهم‌تر است، و از لحاظ دقت و توجه و حفظ دیگران بیشتر محل توجه بوده، به مراتب تحت مراقبت بیشتری خواهد بود (طبرسی، بی‌تا: ۱۵/۱).

همچنین، حلی (متوفای ۷۲۶ ه.ق.) تحریف‌نشدن قرآن را چنین تشریح کرده است:

حق آن است که در قرآن مجید، تبدیل، تأخیر و تقدیم رخ نداده است و در قرآن کریم نه چیزی زیاد شده و نه چیزی کم شده است. به خداوند از اعتقاد به این حرف‌ها پناه می‌برم؛ زیرا اعتقادداشتن به این‌گونه مطالب و سخنان باعث می‌شود که در معجزه پیامبر اکرم ﷺ که با تواتر نقل شده است، تحریف اتفاق افتاده باشد و این سخن درستی نیست و در معجزه پیامبر اکرم ﷺ تحریفی رخ نداده است (حلی، بی‌تا: ۱۲۱).

کرکی (متوفای ۹۴۰ ه.ق.) در رساله‌ای که به همین منظور، یعنی تحریف در قرآن کریم، تألیف کرده است، درباره تحریف‌نشدن قرآن چنین می‌گوید: «روایاتی که دلالت می‌کنند که از قرآن چیزی کم شده است، باید آن روایات را توجیه کرد یا کنار گذاشت؛ چون اگر روایتی برخلاف



کتاب، سنت و اجماع باشد و توجیه‌پذیر نباشد یا نتوان آن را بر وجهی حمل کرد، باید آن را کنار گذاشت و به آن عمل نکرد» (حسینی میلانی، ۱۴۱۰: ۶). قاضی نورالله تستری (متوفای ۱۰۱۹ ه. ق.) درباره بطلان تحریف قرآن چنین می‌گوید: «آنچه به شیعیان نسبت داده شده که قرآن تحریف یافته و در آن تغییر پیدا شده، این قول مشهور امامیه نیست؛ بلکه این نظریه عده بسیار کمی است که چنین گفته‌اند و در میان شیعیان به قول آنها چندان توجهی نمی‌شود» (بلاغی، بی‌تا: ۲۵-۲۶). حر عاملی (متوفای ۱۱۰۴ ه. ق.) در این زمینه چنین می‌نویسد: «از تتبع اخبار و جست‌وجوی تاریخ و آثار، قطع حاصل می‌شود که قرآن کریم در عالی‌ترین درجه از تواتر قرار دارد و هزاران نفر از صحابه، حافظ قرآن بودند و آن را نیز قرائت می‌کردند و قرآن مجید نیز در عصر پیامبر اکرم ﷺ جمع‌آوری و تألیف و تدوین شده است» (حسینی میلانی، ۱۴۱۰: ۱۳-۱۸).

### ۳. استدلال عالمان شیعه بر تحریف‌نشدن قرآن

با پیگیری دلایل عالمان شیعه بر تحریف‌نشدن قرآن، به این نتیجه می‌رسیم که دلایل استنادی آنان در چهار دسته می‌گنجد: دلایل قرآنی، دلایل روایی، دلایل تاریخی و دلایل عقلی.

#### ۳. ۱. دلایل قرآنی

۱. «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ»؛<sup>۳</sup> آیه صراحتاً اعلام می‌دارد که خداوند قرآن را نازل کرده و آن را حفظ می‌کند و برای همیشه از تحریف در امان خواهد بود. خداوند متعال خود وعده حفظ قرآن را در برابر معاندان و ستمگران و تحریف‌کنندگان داده، و دست خیانت‌کاران را از دامن قرآن در تحریفش کوتاه خواهد کرد. وعده خدا هم تحقق‌پذیر است و هیچ‌گونه تخلفی در وعده‌اش رخ نخواهد داد.

۲. «بَرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يَتِمَّ نُورُهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»؛<sup>۴</sup> از آیه منزه‌بودن قرآن از تحریف استفاده می‌شود؛ زیرا خداوند متعال در آیه دیگری قرآن را نور معرفی می‌کند و می‌فرماید: «لَقَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ» (مائده: ۱۵). بنابراین، از دو آیه مذکور استفاده می‌شود که قرآن نور است و خداوند نور خود را برخلاف نظر کفار و معاندان که در صدد خاموش کردن آن هستند، حفظ خواهد کرد و در واقع معاندان و کفار با قصد تحریف قرآن به کم یا زیاده یا آوردن کتابی که ادعا کنند، آن کتاب مثل قرآن است، در صدد تضعیف و تحریف قرآن برآمده‌اند. خداوند متعال نیز با این آیه، حال و قصد آنها را اعلام می‌دارد و می‌فرماید خداوند در

مقابل قصد شوم آنها قرآن را حفظ خواهد کرد، ولو آنکه حفظ کردن قرآن با مزاج کفار خوش نیاید و آنها از حفظ قرآن کراهت داشته باشند. خداوند قرآن را به خورشید تشبیه نکرده است، زیرا خورشید هم روزی خاموش می‌شود، بلکه فرموده قرآن هیچ وقت خاموش‌شدنی نیست؛ یعنی همیشه محفوظ خواهد ماند. این آیه یکی از آیاتی است که از آن حفظ قرآن از تحریف استفاده می‌شود.

۳. «و اِنَّهٗ لکتاب عزیز لا یأتیه الباطل من بین یدیه و لا من خلفه تنزیل من حکیم حمید؛<sup>۵</sup> خداوند در این آیه هر گونه وارد شدن باطل در قرآن را نفی کرده است؛ یعنی هیچ باطلی در قرآن راه ندارد و همه مصادیق بطلان از ورود در قرآن منع شده و قرآن از همه مصادیق باطل مصون و محفوظ است و یکی از مصادیق باطل، تحریف قرآن است. بنابراین، طبق آیه، تحریف به نقصان و زیاده که از مصادیق باطل است، در قرآن راه ندارد؛ یعنی اینکه کلمه یا کلماتی از قرآن کم یا به آن اضافه شود که در معنا اشکالی رخ ندهد. این نوع تحریف در زمان عثمان با سوزاندن بعضی مصحف‌ها عملاً بابش بسته شد.

### ۲.۳. دلایل روایی

۱. تواتر قرآن: یکی از دلایل علمای شیعه بر تحریف‌نشدن قرآن، اسناد تاریخی دال بر تواتر قرآن است. زیرا از نظر شیعه پذیرفتن قرآن، چه در جزء و چه در کل، لزوم و ضرورت تواتر آن است. قرآن در حرف، کلمه، حرکات و سکنات باید متواتر باشد تا پذیرفته شود. متواتر بودن یعنی اینکه جمهور مسلمانان دست به دست و سینه به سینه آن را نقل کرده باشند و درباره پذیرش کلمه یا آیه و قرائات و حرکات و سکنات خبر واحد معتبر نیست. حال آنکه خبر واحد صرفاً در مسائل فرعی پذیرفتنی است و در اثبات آیه یا آیات قرآن و ... پذیرفتنی نیست (حلی، ۱۳۳۳: ۴۵). در اینجا این توضیح ضرورت می‌یابد که هر چند کبرای قیاس (یعنی حجیت امر متواتر) مبتنی بر برهان عقلی است، اما تواتر قرآن به عنوان صغرای قیاس، بر قرائن تاریخی مبتنی می‌شود.

۲. روایات عرضه بر قرآن: روایاتی از امامان معصوم (علیهم‌السلام) به ما رسیده است که فرموده‌اند احادیث ما را بر قرآن عرضه کنید، چنانچه با قرآن موافقت داشت، به آن احادیث عمل کنید و اگر با قرآن در تعارض بود، آن احادیث را به دیوار بزنید؛ یعنی کنار بزنید و به آن عمل نکنید. طبق مضمون حدیث فوق، چنانچه در قرآن تحریف صورت گرفته باشد، قرآن محور سنجش احادیث نخواهد بود و ائمه (علیهم‌السلام) قرآن را تحریف‌ناپذیر می‌دانستند و احادیث را با آن می‌سنجیدند که اگر مثلاً حدیثی از پیامبر با قرآن موافقت داشت، معتبر می‌دانستند و اگر مخالفت داشت، آن حدیث نزدشان

معتبر نبود، بلکه در حدیث «ما وافق الکتاب»، میزان و محور تشخیص صحت احادیث، قرآنی است که تحریف نشده است، نه قرآنی که در او تحریف واقع شده است؛

۳. حدیث ثقلین: شیعیان و در رأس آنها علمای شیعه معتقدند حدیث ثقلین دلیل دیگری بر تحریف‌نشدن قرآن است. این حدیث بین شیعه و سنی متواتر است و در آن پیامبر ﷺ فرموده است: «شما را ترک می‌کنم و دو امانت گران‌بها در میان شما می‌گذارم». در ادامه می‌فرماید: «مادامی که به این دو چنگ بزیند، گمراه نخواهید شد؛ زیرا این دو از هم جدا‌ناپذیرند تا بر من در کنار حوض کوثر وارد شوند».

### ۳.۳. دلایل تاریخی

۱. تربیت حافظان قرآن؛ علمای شیعه معتقدند پیامبر اکرم ﷺ تعدادی از افراد امین و در خور اعتماد را برای حفظ و قرائت قرآن معین فرمود و آنها را به دیگران معرفی می‌کرد. آنها وظیفه قرائت قرآن و آموزش آن به دیگران را داشتند. این دسته از قاریان افراد مؤمن و درست‌کار و امانتدار بودند که قرآن را همان‌طور که از پیامبر ﷺ شنیده بودند، به مردم آموزش می‌دادند و این خود دلیل دیگری بر مصون‌ماندن قرآن از تحریف در زمان رسول خدا ﷺ است.

۲. تداوم کتابت قرآن؛ تاریخ گواهی می‌دهد که پیامبر اکرم ﷺ از روز نخست از قرآن حفاظت، و به حفظ آن توصیه و سفارش می‌کرد و حفظ، ضبط و ثبت قرآن از سفارش‌های آن رسول گرامی بوده است. به همین منظور نسخه‌های فراوانی از قرآن تهیه شد و در خانه‌ها و صندوق‌ها نگهداری می‌کردند. به بیان دیگر، شیعه معتقد است رسول خدا ﷺ عده‌ای را برای حفظ قرآن انتخاب کرده بود و در حفظ و ضبط و ثبت آن تلاش وافر داشتند و علاوه بر آن نسخه‌های دیگری هم تهیه و بین مسلمانان پخش می‌کرد و مسلمانان هم پیوسته در حفظ و مراقبت از آن می‌کوشیدند و به احدی اجازه تحریف نمی‌دادند. حتی اگر کسی در صدد تحریف برمی‌آمد، عملش نکوهش، و از جامعه اسلامی طرد می‌شد و دانشمندان هم در طول تاریخ از جزئیات قرآن، از قبیل کلمات، حروف، حرکات و قرائات، اطلاع داشتند. بنابراین، چگونه ممکن بود، با وجود این همه مراقبت‌های شدید که در حفظ و ضبط و ثبت آن می‌شد، عده‌ای پیدا شوند و قرآن را تحریف کنند و کارشان از چشم همگان به دور باشد. در نتیجه، تحریف به زیاده یا نقصان کاملاً مردود است؛ به‌ویژه تحریف به نقیصه و به‌خصوص روایاتی که می‌گوید ثلث (بیش از دو هزار آیه) از قرآن حذف شده است؛ زیرا اگر چنین اتفاقی برای قرآن می‌افتاد، باید شهرت همگانی می‌یافت.

در حقیقت، طبق این فرض، دشمنان اسلام در صدد تضعیف قرآن به هر نحو برمی‌آمدند و این را دستاویزی برای سرزنش مسلمانان و کتاب مقدسشان قرار می‌دادند و بزرگ‌ترین طعن را بر قرآن وارد می‌کردند.<sup>۱</sup> وقتی به متون تاریخی مراجعه می‌کنیم درمی‌یابیم که در عصر رسول خدا ﷺ قرآن کریم به همین نحو که اکنون موجود است، جمع‌آوری و تدوین شده و تمام قرآن در آن عصر تدریس و حفظ می‌شد و گاهی حضرت حفظ آن را بر بعضی از افراد واجب می‌فرمود و آنها نیز حفظ، و در خدمت پیامبر ﷺ تلاوت می‌کردند. تمام اینها با اندکی تأمل نشان‌دهنده حفظ قرآن از تحریف است.

### ۳. ۴. دلایل عقلی

۱. **قاعده لطف؛** یکی از دلایل بر تحریف نشدن قرآن، قاعده لطف است؛ زیرا در علم کلام فرستادن پیامبران و انزال کتاب برای هدایت انسان‌ها لطفی است که باید از ناحیه خالق صورت گیرد؛ زیرا به سعادت رسیدن انسان‌ها بدون ارسال رسل و انزال کتب ممکن نخواهد بود. بنابراین، خداوند باید قرآنی برای هدایت انسان‌ها بفرستد که عاری و مصون و محفوظ از تحریف باشد و چنانچه قرآن محتمل‌التحریف باشد و منحرفان بتوانند آن را تحریف کنند، به آن نمی‌توان تمسک کرد. بنابراین، به مقتضای قاعده لطف، قرآن تحریف‌پذیر نیست و نمی‌تواند تحریف در آن راه پیدا کند.

۲. **لزوم اتمام حجت؛** خداوند متعال قرآن را حجت خود بر مردم معرفی کرده، و خودش حجتش را از تحریف و انحراف حفظ می‌کند؛ زیرا قرآن را نازل کرده است و اگر بنا باشد، کتاب محکم خود را رها کند و دست اغیار را در تحریفش باز بگذارد، این نقض غرض و نقض هدف از نازل کردن قرآن است.

۳. **اعجاز قرآن؛** قرآن مجید دارای آنچنان فصاحت و بلاغتی است که هیچ بشری نتوانسته است و نمی‌تواند نظیرش را بیاورد؛ به همین علت در زمان اعراب جاهلی با توجه به اینکه اعراب جاهلی آن روز در شعر و ادب و فصاحت و بلاغت رشد کرده بودند و اندوخته‌ها و اطلاعات فراوانی داشتند، وقتی در مقابل بلاغت و فصاحت قرآن قرار گرفتند، به معجزه‌بودن آن و به عجز خود در آوردن همانند آن اعتراف کردند. از این رو اعجاز زبانی قرآن به حدی است که امکان افزودن مطلب به آن (یا هر گونه دخل و تصرف در آن) را عقلاً یا دست‌کم وقوعاً منتفی می‌کند.

#### ۴. تأمل و بررسی

با مرور دیدگاه عالمان شیعه در این موضوع می‌توان گفت ریشه قول به تحریف قرآن یک سری روایات نامعتبر و سست است که به آنها استناد شده و اغلب علمای اهل تسنن و شیعه روایات مذکور را قبول ندارند و فاقد اعتبار می‌دانند و ناقلان این روایات ضعیف هم اغلب از اهل تسنن‌اند. از شیعه فقط عده اندکی، مانند برخی اخباری‌ها، قائل به حذف آیه ولایت در قرآن شده‌اند که علمای بزرگ شیعه به شدت به آن اعتراض، و آن را نقد کردند (بلاغی، بی‌تا: ۲۶۱).

بنابراین، محققان و علما و عامه شیعه از ابتدا منکر تحریف قرآن بودند و به اتفاق تحریف قرآن را مردود و باطل دانسته‌اند؛ اما محدثان از زمان امام صادق (علیه السلام) تا حر عاملی همه با محققان هم‌نظر و منکر تحریف بودند و فقط عده‌ای از اخباریان که از حیث توجه مفرط به ظواهر آیات و روایات، بعدها جایگزین اهل حدیث شدند، قائل به تحریف بودند و غائله تحریف به وسیله موضع غلط آنها ایجاد شد و در واقع شیعه (البته در زمانه متأخر و نه در عصر ابن تیمیّه و ...) گاه هزینه نظریه ناصواب عده‌ای قلیل از اخباریان را به‌سختی پرداخت کرد. محمدجواد بلاغی در مقدمه تفسیر آلاء الرحمن در رد روایات ضعیفی که دلالت بر تحریف قرآن می‌کند، چنین می‌گوید:

احتمال صدق روایاتی که در تحریف وحی آورده است، نمی‌رود؛ زیرا سند آنها به افراد ضعیف باز می‌گردد که فاسدالمذهب و دروغ‌گو هستند و به این اوصاف مشهورند و از لحاظ مفهوم اختلاف دارند و گروهی از راویان موجود در سلسله سند این روایات درباره ائمه توقف یا دشمنی کرده‌اند و اوصاف افراد ذکرشده نیز دلیل بر در خور اعتمادنبودن روایاتشان است (همان).

در واقع، منشأ و دلیل اعتقاد به تحریف قرآن تعدادی روایات ضعیف است که در کتب اهل سنت و شیعه یافت می‌شود و ظاهر آن روایات حکایت از تحریف می‌کند؛ ولی اغلب دو گروه اهل سنت و شیعه در صدد چاره‌جویی و بیان ضعف و سستی و بی‌اعتباری آن روایات برآمده و تبعات و پیامدهای شوم و بد آن روایات ضعیف و بی‌اعتبار را گوشزد کرده‌اند. کتاب‌های اصولی و کلامی نیز این دسته از روایات را نامعتبر، سست و باطل می‌دانند.

همچنین، بعید نیست که روایات تحریف را دشمنان دین ساخته و نشر داده باشند، تا به این وسیله دین را سست و بی‌مقدار جلوه دهند و اسباب سرزنش دین و قرآن را فراهم کنند. در میان اهل سنت، حشویه که پدران فکری سلفیه شناخته می‌شوند و در شیعه، اخباری‌ها این دو دسته روایات

را جمع‌آوری کردند و هم و غم خود را صرف جمع‌آوری و افزایش کمی روایات کردند و بی‌توجه یا کم‌توجه به کیفیت و صحت روایات جمع‌آوری‌شده، این روش را ادامه دادند و این منجر به گردآوری روایات صحیح و غیرصحیح شد و روایات سست و بی‌اعتبار ترویج یافت. هرچند این روایات بی‌اعتبار دلالت بر تحریف وحی و قرآن می‌کند، اما کار این دسته را نباید به حساب علمای محقق از شیعه و عالمان منصف اهل سنت قرار داد. کار این عده قلیل، از نظر قریب به اتفاق علمای شیعه و سنی، مردود است و ردیه‌های بسیار بر روش این گروه نوشته شده است (هیثمی، ۱۴۱۷: ۱۰۹/۱).

نهایتاً باید توجه داشت که ادله شیعیان بر تحریف‌نشدن قرآن، که جملگی بر مبانی کلامی و الاهیات عقلانی‌شان مبتنی است، از حیث جامعیت و اتقان کم‌نظیر است. چنان‌که دیدیم، این ادله در گستره‌ای به وسعت اسناد تاریخی و ادله عقلانی، در کنار متون قرآنی و روایی قوام یافته است. در واقع، هم متن آیات و روایات منکر تحریف قرآن است و هم شواهد تاریخی تحریف‌نشدن را جازم می‌کند. دلایل متقن عقلانی هم بر لزوم حفظ وحی تأکید دارد.

### نتیجه

شماری از عالمان عامه و از همه مؤثرتر ابن تیمیه، علمای شیعه را به تحریف قرآن یا اعتقاد به آن منسوب کرده‌اند. مشخصاً ابن تیمیه این تأثیر را داشته که تهمت فوق را به دیدگاهی رایج در میان بخشی از هواداران قدیمی و امروزی‌اش تبدیل کند. حال آنکه محققان، علما و عامه شیعه از ابتدا منکر تحریف قرآن بوده و به اتفاق، تحریف قرآن را مردود و باطل دانسته‌اند. همچنین، محدثان از زمان امام صادق علیه السلام تا حر عاملی همگی با محققان و علما هم‌نظر و منکر تحریف بوده‌اند و فقط عده‌ای از اخباری‌ها که بعدها جایگزین اهل حدیث شدند، قائل به تحریف بودند.

علمای شیعه بر اساس ادله اربعه (قرآنی، روایی، تاریخی و عقلی) معتقدند خداوند متعال قرآن را حجت خود بر مردم معرفی کرده است و او خود حجتش را از تحریف حفظ می‌کند؛ زیرا او قرآن را نازل کرده و اگر بنا باشد، آن را رها کند و دیگران آن را تحریف کنند، این نقض غرض ارسال پیامبر صلی الله علیه و آله و نقض هدف از نازل کردن قرآن است. به بیان دیگر، همان‌طور که خداوند وحی را از طریق ملک امین، جبرئیل، بدون تحریف بر قلب پیامبر صلی الله علیه و آله نازل فرموده، قادر است و بلکه بر او واجب است که قرآن را در طول تاریخ برای همه بشر حفظ کند. به علاوه، توجه به اینکه خداوند در قرآن وعده حفظ آن را داده است، اگر کلام خود را حفظ نکند و قرآن تحریف شود و باعث انحراف

و گمراهی بندگان شود، هنگام محاسبه اخروی، بر اساس قاعده عقلانی «قبح عقاب بلا بیان»، خداوند از آنان بازخواست نخواهد کرد. زیرا وعده حفظ کلام وحی را داده، اما آن را حفظ نکرده و همین باعث گمراهی بندگان شده است. پس در این فرض محال، بندگان در گمراهی خویش مقصر نیستند و حجتی برای عذابشان هم نیست. طرد این تالی فاسد عقلی دلیل متقنی است که سهم اختصاصی الاهیات عقلانی تشیع در تقریر آن انکارپذیر نیست.

### پی‌نوشت‌ها

۱. المصباح المنیر: «الشیعة الاتباع والانصار و کل قوم اجتمعوا علی امر فهم شیعة» (فیومی، بی‌تا: ۳۹۸/۱)؛ لسان العرب: «الشیعة القوم الذین یجتمعون علی الامر و کل قوم اجتمعوا علی امر فهم شیعة و کل قوم امرهم واحد یتبع بعضهم رأی بعض فهم شیعة» (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۸۸/۸).
۲. دار قطنی از ام‌سلمه روایت کرده است که پیامبر ﷺ به علی (علیه السلام) فرمود: «یا علی! انت و اصحابک فی الجنة. انت و شیعتک فی الجنة»؛ «ای علی! جایگاه تو و اصحابت و شیعیانی که تو را همراهی می‌کنند، در بهشت است» (هیشمی، بی‌تا: ۶۸۱/۲).
۳. «به درستی که ما قرآن را نازل کردیم و همانا آن را حفظ خواهیم کرد» (حج: ۹).
۴. «می‌خواهند نور خدا را با دهان‌هایشان خاموش کنند و خداوند نخواهد گذاشت و نورش را کامل خواهد کرد. هرچند کافران از آن اکراه داشته باشند» (توبه: ۳۲).
۵. «همانا آن قرآن کتابی قوی است که باطل در او راه ندارد، نه از پیش رو نه از پشت سر؛ زیرا او از طرف خداوند حکیم و ستایش‌شده نازل شده است» (فصلت: ۴۱-۴۲).
۶. مثلاً یکی از روایات جعلی آن است که در قرآن نام بسیاری از منافقان بوده و از قرآن حذف شده است؛ در حالی که پیامبر اکرم ﷺ با حکمت و اخلاق عالی‌اش هرگز در زمان خود منافقانی را که اطرافش بودند رسوا نمی‌کرد و نامشان را در انظار عمومی نمی‌برد و آنان همانند سایر مسلمانان در میان امت رفت و آمد می‌کردند. چگونه ممکن است در قرآن، که خود را متصف به «کریم» کرده است، اسامی منافقان ذکر شود و راه توبه و بازگشت را بر آنها مسدود کند و آب‌رویشان را در میان همگان در معرض هتک قرار دهد.

## منابع

قرآن كريم.

ابن تيميه، احمد بن عبد الحلیم (١٤٠٦). منهاج السنة النبوية في نقض كلام الشيعة القدرية، تحقيق: محمد رشاد سالم، جامعة الامام محمد بن سعود الاسلامية.

ابن حزم، ابو محمد علي بن احمد (بي تا). الفصل في الملل والهواء والنحل، بيروت: منشورات دار الافاق الجديدة.

ابن طائوس، علي بن موسى (١٣٦٩). سعد السعود، النجف: المطبعة الحيدرية.

ابن منظور، محمد بن مكرم (١٤١٤). لسان العرب، بيروت: دار صادر.

بلاغى، محمد جواد (بي تا). آلاء الرحمن في تفسير القرآن، قم: دار احياء التراث العربى.

حسينى ميلانى، سيد علي (١٤١٠). التحقيق في نفى التحريف، قم: دار القرآن الكريم.

الحلى، يوسف بن مطهر (١٣٣٣). منتهى المطلب، مقابله: حسن پيش نماز، تبريز: حاج احمد.

الحلى، يوسف بن مطهر (بي تا). اجوبة المسائل المتهاينة، بي جا: بي نا.

خرمشاهى، بهاء الدين (١٣٧٧). دانش نامه قرآن و قرآن پژوهى، تهران: ناهيد.

الصدوق، محمد بن علي (بي تا). الاعتقادات، تحقيق: عصام عبد السيد، بي جا: بي نا.

طبرسى، فضل بن حسن (بي تا). مجمع البيان في تفسير القرآن، بيروت: دار العلوم.

طوسى، محمد بن حسن (١٤٠٩). التبيان في تفسير القرآن، تحقيق: احمد حبيب قصير العاملى، قم: مكتب الاعلام الاسلامى.

فيومى، احمد بن محمد (بي تا). المصباح المنير في غريب الشرح الكبير، بيروت: المكتبة العلمية.

المفيد، محمد بن محمد (١٤١٣). مصنفات الشيخ المفيد، قم: المؤتمر العالمى لالفية الشيخ المفيد، الطبعة الاولى.

المفيد، محمد بن محمد (١٤١٤). اوائل المقالات، بيروت: دار المفيد، الطبعة الثانية.

الموسوى الخونى، أبوالقاسم (١٣٩٥). البيان في تفسير القرآن، بيروت: دار الزهراء للطباعة والنشر والتوزيع.

هيشمى، احمد بن محمد (١٤١٧). الصواعق المحرقة على اهل الرفض والضلال والزندقة، التحقيق: عبد الرحمن بن

عبد الله التركى و كامل محمد الخراظ، بيروت: مؤسسة الرسالة.



## References

The Holy Quran.

Al-Helli, Yusof ibn Motahhar. 1954. *Montaha al-Matlab (Ultimate Subject)*, Researched by Hasan Pishnamaz, Tabriz: Haj Ahmad. [in Arabic]

Al-Helli, Yusof ibn Motahhar. n.d. *Ajwabah al-Masael al-Motehanebah*, n.p: n.pub. [in Arabic]

Al-Mofid, Mohammad ibn Mohammad. 1992. *Mosannafat al-Sheikh al-Mofid (Works of Sheikh Al-Mofid)*, Qom: The Millennium International Conference of Sheikh al-Mofid, First Edition. [in Arabic]

Al-Mofid, Mohammad ibn Mohammad. 1993. *Awael al-Maghalat (Primary Statements)*, Beirut: Al-Mofid House, Second Edition. [in Arabic]

Al-Musawi al-Khoyi, Abu al-Ghasem. 2016. *Al-Bayan fi Tafsiir al-Quran (The Explanation of the Interpretation of the Quran)*, Beirut: Al-Zahra House for Printing, Publishing and Distribution. [in Arabic]

Al-Sadugh, Mohammad ibn Ali. n.d. *Al-Eteghadat (Beliefs)*, Researched by Esam Abd al-Sayyed, n..p: n.pub. [in Arabic]

Balaghi, Mohammad Jawad. n.d. *Ala al-Rahman fi Tafsiir al-Quran (Blessings of the Most Gracious in the Interpretation of the Quran)*, Qom: Arab Heritage Revival House. [in Arabic]

Fayyumi, Ahmad ibn Mohammad. n.d. *Al-Mesbah al-Monir fi Gharib al-Sharh al-Kabir (The Illuminating Light on the Great Explanation)*, Beirut: Scientific Institute. [in Arabic]

Haythami, Ahmad ibn Mohammad. 1996. *Al-Sawaegh al-Mohraghah ala Ahl al-Rafz wa al-Zalal wa al-Zandaghah (The Incendiary Thunderbolts on the People of Rejection, Misguidance and Heresy)*, Researched by Abd al-Rahman ibn Abdollah al-Torki & Kamel Mohammad al-Kharrat, Beirut: Al-Resalah Institute. [in Arabic]

Hoseyni Milani, Seyyed Ali. 1989. *Al-Tahghigh fi Nafy al-Tahrif (Investigation in the Negation of Alteration)*, Qom: House of the Holy Quran. [in Arabic]

Ibn Hazm, Abu Mohammad Ali ibn Ahmad. n.d. *Al-Fasl fi al-Metal wa al-Ahwa wa al-Nehal (Chapter in Nations, Whims & Schools)*, Beirut: New Horizons publications. [in Arabic]

- Ibn Manzur, Muhammad ibn Mokarram. 1993. *Lesan al-Arab (Language of Arabs)*, Beirut: Al-Sader Institute. [in Arabic]
- Ibn Tawus, Ali ibn Musa. 1950. *Sad al-Soud le al-Nofus Manzud*, Najaf: Heydariyyah Press. [in Arabic]
- Ibn Taymiyyah, Ahmad ibn Abd al-Halim. 1986. *Menhaj al-Sannah al-Nabawiyyah fi Naghz Kalam al-Shiah al-Ghadariyah (The Method of the Prophetic Sunnah in Refuting the Words of the Qadarite Shiites)*, Researched by: Mohammad Rashad Salem, Riyadh: Imam Mohammad ibn Saud Islamic University. [in Arabic]
- Khorranshahi, Baha al-Din. 1998. *Danesh Nameh Quran wa Quran Pajuhi (Encyclopedia of the Quran and Quran Research)*, Tehran: Nahid.
- Tabarsi, Fazl ibn Hasan. n.d. *Majma al-Bayan fi Tafsir al-Quran (Collection of Statements on the Interpretation of the Quran)*, Beirut: Knowledge House. [in Arabic]
- Tusi, Mohammad ibn Hasan. 1988. *Al-Tebyan fi Tafsir Al-Quran (Clarification in the Interpretation of the Quran)*, Researched by Ahmad Habib Ghasir al-Ameli, Qom: Islamic Media Office. [in Arabic]